



عکس: علی محمدی / ایران

## مارش موزون ترانه‌های جهادی

عبدالجبار کاکایی: شعر جنگ، تاریخ را گزارش می‌کند



بانگ‌های به فهرست کتاب‌ها و آثار فرهنگی که این سال‌ها تولید و منتشر شده است، جای خالی عنوان‌های مربوط به حوزه شعر دفاع مقدس کاملاً مشهود است، در حالی که دهه ۶۰ و ۷۰ آمار قابل توجهی از تولیدات فرهنگی به شعر دفاع مقدس اختصاص داشت. در این خصوص به سراغ عبدالجبار کاکایی از شاعران مطرح و کارشناس این حوزه رفتیم تا پاسخی برای سؤال‌های مطرح در این مورد بگیریم. کاکایی، شعر با موضوع خاص را دارای رسالت تاریخی می‌داند و معتقد است دلیل کاهش تولید شعر با موضوع جنگ در این سال‌ها به این بازمی‌گردد که شعر با اقتضائات و احساسات زمانه همراه است و با عبور از آن اقتضائات و احساسات به طور معمول سرودن با مضامین پدیده‌های تاریخی نیز تقلیل می‌یابد. بنابراین می‌توانیم بگوییم که هنرمندان در حوزه شعر دفاع مقدس تا حد زیادی نقش خود را ایفا کردند و از این پس پرداختن به این موضوع بر عهده سایر هنرها از جمله هنرهای تجسمی، تئاتر، سینما... است. در ادامه گفت‌وگوی «ایران» با عبدالجبار کاکایی بیشتر درباره این موضوع می‌خوانید.

**وضعیت ادبیات شعر دفاع مقدس را از نظر کمی و کیفی در چه جایگاهی می‌بینید؟**

بستر سرودن شعر در زمان وقوع موضوع بیشتر فراهم است تا پس از آن، از این رو به نظر من ادبیات دفاع مقدس راهی است که رفته شده و باری است که بسته شده است. در واقع شعر بعد از گذشت زمان وقوع موضوع، دیگر روایتگر و داستان پرداز نیست و تمام این وظایف از دوش آن برداشته می‌شود و هنرهای دیگر مسئول انجام آن هستند. به همین دلیل هم امروز نباید توقع تولید انبوه در این عرصه را داشته باشیم، گرچه باز هم به ندرت شاهد تولیدات خوبی در این حوزه هستیم. این موضوع در عرصه هنرهای تجسمی و

این گونه برخورد شود جامعه نسبت به آن موضوع سکوت می‌کند چون هر حرف زدن و اظهار نظری مساوی است با قرار گرفتن در مسیر آن جریانی که از جنگ سوءاستفاده شده است. نه تنها جنگ، متأسفانه خیلی از موضوع‌های ملی انقلاب مورد سوءاستفاده جریان‌های سیاسی قرار گرفته است. این وضعیت یعنی اینکه برای به قدرت رسیدن از به کارگیری مقدسات و میراث ملی هیچ ابایی وجود ندارد، پس شخصیت‌ها و موضوع‌ها را مصادره می‌کنند؛ متأسفانه جنگ هم از زمره موضوع‌هایی است که در جریان فعل و انفعالات سیاسی مصادره شده است. در صورتی که جنگ پیوند خونی با همه احاد جامعه دارد و متعلق به هیچ گروهی نیست که کسی بخواهد مدافعش شود و فکر کند فقط مدافع جنگ و شهیدان آن است. به نظر می‌آید اگر جامعه بویژه نخبگان که اهل کتاب خریدن و خواندن هستند توجهی به این موضوع نشان نمی‌دهند و در زمینه پژوهش کمتر به این موضوع توجه می‌کنند علت‌اش در معرض اتهام قرار گرفتن است.

**با وجود این شرایط، شعر دفاع مقدس توانسته به عنوان گونه مستقل شعری، خود را در فضای ادبی بعد از انقلاب تثبیت کند؟**

گونه مستقل ناظر بر کیفیت فنی آثار است اما معمولاً آثار دفاع مقدس از حیث موضوع قابل تشخیص‌اند نه از اصول فنی. ما در شعر انقلاب و جنگ بیشتر به قالب‌های سنتی گرایش داشتیم و این موضوع را نمی‌شود از جهت فنی نوعی نوآوری در شعر انقلاب به حساب آورد. شعر انقلاب و جنگ مختصات ویژه‌ای دارند اول اینکه در آنها از قالب‌های سنتی بیشتر استفاده می‌شد و تلمیحات و اشارات دینی قابل توجه بود.

دیگر اینکه جنگ با قرائت ایدئولوژیکی شناخته شد، یک قرائت کاملاً اعتقادی و دینی. در حقیقت ۸ سال دفاع مقدس تفاوت‌هایی با جنگ‌های بزرگ جهان دارد، از جمله اینکه در بعضی از موضوع‌ها جنگ ما، مفاهیمی وارد دایره عرفان، اعتقادات و اندیشه‌های عمیق مذهبی مثل حق و باطل

تصویری کاملاً برعکس است؛ یعنی توقع می‌رود در این زمینه هر سال تولید انبوه آثار را شاهد باشیم، البته در سال‌های دورتر باز هم شعر بود که گزارش تاریخ می‌کرد؛ مثل شاهنامه فردوسی. اما امروزه با توجه به اینکه شعر موضوعی تر شده و آثار اجتماعی در دل هیجانات اجتماعی به وجود می‌آید و بعد از آن هم فروکش می‌کند این اصل از بین رفته است.

**اماد غیر از زمان وقوع موضوع که می‌تواند دستمایه شاعر قرار گیرد می‌شود انتظار موارد استثنا را هم داشت؟**

۳۰ سال است که آتش جنگ خاموش شده و دیگر از صدای توپ و خمپاره... خبری نیست. اگر کسی در این زمینه کار کند تلاشی تکراری کرده است. تنها در صورتی نتیجه کار شاعر می‌تواند درخشان باشد که او توان و ذوق این را داشته باشد که وقایع جنگ را با احساسات روز به نظم بکشد و زاویه‌ای ناگفته از جنگ را آشکار کند. تولید آثار خوب هنوز هم اتفاق می‌افتد اما به قول معروف دیگر آن استثنا است نه قاعده. می‌توان این طور گفت که در خصوص بررسی و نقد جنگ کارهایی انجام شده اما نه آنقدر مهم و برجسته و نه آنقدر زیاد که فکر کنیم همه وظایفمان را انجام دادیم.

**شاید از وظایفی که در این عرصه در انجام آن کوتاهی شده این باشد که پس از سه دهه هنوز منتقدان شعر دفاع مقدس، آن را مورد نقد جدی قرار ندادند و ماهنوز جریانی مستقل به نام «نقد ادبیات دفاع مقدس» نداریم. از نظر شما این موضوع چه آسیب‌هایی را متوجه شعر دفاع مقدس کرده است؟**

جنگ به عنوان یکی از آثار ملی ما متأسفانه مورد بهره‌برداری جریان‌های خاص سیاسی قرار گرفته است، یعنی نهاد‌های دارای قدرت بیشتر و پیرترین جنگ را در اختیار خود گرفته‌اند و از آن و نشانه‌هایش در جریان انتخابات و نمایش اقتدارهای خودشان استفاده می‌کنند. طبیعی است وقتی با میراث ملی